



## of female schemas in children's stories "Princess of the Golden Palace" by Muhammad Atiyah al-Ibrashi

Hossein Shamsabadi<sup>1</sup> , Omid Izanloo<sup>2\*</sup> , Sahar Dehghani<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Iran.

<sup>2\*</sup> Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran

<sup>3</sup> MSc of Department of Arabic Language and Literature, Kowsar University, Iran.

### Article Info

### ABSTRACT

**Article Type:**  
**Research Article**

**Received:**  
**22/03/2021**  
**Accepted:**  
**20/10/2021**

Woman and her role in literature is a subject that is of great interest to writers. Children's fiction is one of areas of the presence of woman. A study of the schemas for women in children's literature is of great importance because children become acquainted with social roles and schemas and the realities around them by reading the story and identifying with the characters in the story. For examining the schemas for women, we investigated Mohammad Atiyah al-Ibrashi's story "Amira al-Qasr al-Dhahabi", as an example of children's fiction. Descriptive-analytical investigation of this story shows that women have a pale presence in the text, masculine writing is evident in the text and the story revolves around male characters. Instead, the writer portrays female characters in the story with negative schemas. Some examples of it are schemas such as the beauty and charm of women, objectification and marginalization, neglect, as well as the women's extreme attitude to gold. By expressing old and patriarchal opinions in the form of negative schemas, Mohammad Atiyah Al-Ibrashi has taught intentionally or inadvertently his mental schemas to his audience indirectly. Since these schemas are often negative, they will have an adverse effect on the child's thinking, which is irreversible.

**Keywords:** Children's Literature, Scheme for Women, Mohammad Atiyah Al-Ibrashi, Emira of the Golden Palace

**Cite this article:** Shamsabadi, Hossein, Izanloo, Omid, Dehghani, Sahar. (2022). of female schemas in children's stories "Princess of the Golden Palace" by Muhammad Atiyah al-Ibrashi, *Vol. 13, New Series, No.48, Summer 2022*: pages:21-40.

DOI: 10.30479/lm.2021.15272.3226



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University.

**\*Corresponding Author:** Hossein Shamsabadi (PhD)

**Address:** Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University

**E-mail:** H.shamsabadi@hsu.ac.ir



## فصلنامه علمی لسان مبین

( پژوهش زبان و ادب عربی )

شاپای چاپی: ۸۰۰۲-۲۳۵۵

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۳۵۱۶



### طرح‌واره‌های زن در داستان کودک «أمیرة القصر الذَّهَبی» محمد عطیة الإبراشی \*

حسین شمس آبادی<sup>۱</sup>، امید ایزانلو<sup>۲</sup>، سحر دهقانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران.

<sup>۲</sup>استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر، بجنورد، ایران.

#### اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۰/۰۱/۰۲

پذیرش:

۱۴۰۰/۰۷/۲۸

زن و نقش آن در ادبیات، یکی از موضوعاتی است که بسیار مورد توجه نویسندگان است. از عرصه‌های حضور زن می‌توان به ادبیات داستانی کودک اشاره کرد. بررسی طرح‌واره‌های زن در ادبیات کودک، از آن حیث که کودکان با خواندن داستان با جامعه و نقش‌ها و طرح‌واره‌های اجتماعی و واقعیت‌های اطرافشان آشنا شده و با شخصیت‌های داستان هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، اهمیت وافری دارد. داستان «أمیرة القصر الذَّهَبی» اثر محمد عطیة الإبراشی، به‌عنوان نمونه‌ای از ادبیات داستانی کودک، با هدف بررسی طرح‌واره‌های زن مورد بررسی قرار گرفت که بررسی توصیفی - تحلیلی این داستان نشان می‌دهد زنان در متن حضور کم‌رنگی داشته و مردانه‌نویسی به وضوح در متن دیده می‌شود و داستان حول شخصیت‌های مرد می‌چرخد و در عوض شخصیت‌های زن در داستان با طرح‌واره‌هایی منفی به تصویر کشیده شده‌اند که می‌توان به طرح‌واره‌هایی چون زیبایی و دلربایی زن، شی‌انگاری و به حاشیه رانده شدنش، نادیده‌انگاری و همچنین نگاه افراطی زن به طلا اشاره کرد. محمد عطیة الإبراشی با بیان عقاید قدیم و مردسالارانه در قالب طرح‌واره‌های منفی، عمداً یا سهواً طرح‌واره‌های ذهنی‌اش را به‌گونه‌ای غیرمستقیم به مخاطبان خود آموزش داده است و از آنجایی که این طرح‌واره‌ها، غالباً منفی بوده، تأثیری سوء بر فکر و اندیشه کودک خواهند گذاشت که امری غیرقابل‌جبران است.

**کلمات کلیدی:** ادبیات کودک، طرح‌واره، زن، محمد عطیة الإبراشی، أمیرة القصر الذهبي.

استاد: شمس‌آبادی، حسین؛ ایزانلو، امید؛ دهقانی، سحر؛ (۱۴۰۱). طرح‌واره‌های زن در داستان کودک «أمیرة القصر

الذَّهَبی» محمد عطیة الإبراشی، سال سیزدهم، دوره جدید، شماره چهارم و هشتم، تابستان ۱۴۰۱: ۴۰-۲۱.



DOI: 10.30479/lm.2021.15272.3226

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی<sup>(د)</sup>

## ۱. مقدمه

یکی از عرصه‌های حضور زن در ادبیات، ادبیات داستانی کودک است. کودک با خواندن کتب داستانی، با جامعه، نقش‌ها، طرح‌واره‌های اجتماعی و همچنین واقعیت‌های اطرافش آشنا شده و «اعمال زنانه و مردانه و چگونگی نقش خود را به عنوان زن و مرد می‌آموزد و رؤیایها و شخصیت‌های آرمانی و قهرمانی خود را می‌یابد و می‌سازد» (رمضانی، ۱۳۹۲: ۹)؛ به عبارت دیگر با شخصیت‌های داستان، هم‌ذات‌پنداری کرده و خود را به جای آن‌ها قرار می‌دهد. تأثیر خواندن این داستان‌ها بر ذهنیت کودک، بسیار عمیق است؛ به طور مثال ادبیات با تأثیر بر نگرش کودکان دختر به «زن» و هویت‌یابی آن‌ها و همچنین نگرش کودکان پسر به «زن»، در آینده آن‌ها و همچنین آینده جامعه اثرگذار است؛ لذا این ادبیات به عنوان ادبیاتی پایه و تأثیرگذار در افکار و احوال کودک، باید مورد بررسی قرار گیرد تا سهواً یا عمدتاً باعث ایجاد کج‌روی‌های ذهنی در کودکان نشود.

با توجه به توضیحات ذکر شده، می‌توان به اهمیت و تأثیرگذاری فراوان داستان بر نگرش و تصور و شناخت کودکان نسبت به جنس مرد و زن پی برد. به دلیل همین تأثیرگذاری بالا و اهمیت موضوع زن در ادبیات، توجه به نگرش‌ها و تصاویری که نویسندگان از «زن» در داستان‌های خود برای کودکان ارائه می‌دهند، ضرورت دارد؛ همچنین باید گفت هدف از انجام این پژوهش، بررسی محتوایی تصویر زن در داستان کودک «أميرة القصر الذهبی» اثر محمد عطیة الإبراشی<sup>۱</sup> و شناخت نگرش نویسنده نسبت به زن است. در این راستا این پژوهش، در پی پاسخ‌دهی به دو سؤال اساسی زیر است:

- ۱- محمد عطیة الإبراشی از عناصر داستان چگونه برای بازنمایی طرح‌واره‌های زن استفاده کرده است؟
- ۲- نویسنده تصاویر و طرح‌واره‌های به‌کاررفته برای زنان را در محتوای داستان خود چگونه به نمایش گذاشته است؟

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره محمد عطیة الإبراشی، پژوهش‌های زیادی وجود نداشت و تنها می‌توان به مقاله‌ای همایشی با عنوان «نقد داستان کودک برادر کوچک‌تر» از علی پیرانی شال، امیر مقدم متقی و سیده زهرا حسینی طالمی اشاره کرد که در دومین کنفرانس بین‌المللی ادبیات و زبان‌شناسی ارائه شده بود که یافته‌های مقاله نشان می‌داد: کتاب «الأخ الأصغر» مطابق با اصول روان‌شناسی و مراحل رشد کودک و نیازهای وی نگاشته نشده است و همچنین صفحات و ظاهر کتاب برای کودکان مناسب نیست؛ اما از لحاظ اصول نگارشی قوی است.

از پژوهش‌های صورت گرفته در عرصه جایگاه زن در داستان کودکان نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره

کرد:

کتاب محمد سید عبدالنواب (۲۰۱۵) با عنوان «صورة المرأة في أدب الطفل - التشكل والإشكال» به بررسی تصویر زن در ادبیات کودک پرداخته است که تاریخچه ادبیات کودک و سیر آن در مصر، جنسیت و کلیشه‌های زنان در داستان‌های کودک و همچنین بررسی تصویر زن در نوشته‌های نویسندگان مرد و نویسندگان زن در این کتاب فصل‌بندی شده است. در این اثر، ۵۰ داستان کودک به نویسندگی کودکان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. (لازم به ذکر است که امکان دسترسی به این کتاب وجود نداشت، لذا امکان بهره‌مندی از محتوای آن میسر نبود).

سوده مقصودی (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «بررسی نقش زن در داستان‌های کودکان»، نقش زنان و مردان را در کتاب‌های نویسندگان کودک مورد بررسی قرار داده که نتایج پژوهش نشان می‌دهد زنان غالباً در نقش‌های عادی و اجتماعی از نوع کلیشه‌ای و سنتی ظاهر می‌شوند؛ نقش‌هایی چون مادری، کدبانوگری، معلمی، پرستاری و ...

جواد صادقی جعفری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان با تأکید بر تغییرات سیاسی - اجتماعی» به بررسی چهره زن در ادبیات کودک در ۲۲ داستان ایرانی پرداخته که نتیجه به‌دست‌آمده، بیانگر عدم تغییر نگرش نویسندگان نسبت به نقش‌های جنسیتی، طی سه دوره زمانی است. نقش‌های خانوادگی، سواد و اشتغال از شاخص‌های سیمای زن در این مقاله است.

با توجه به پیشینه ارائه‌شده، تاکنون پژوهشی مبنی بر طرح‌واره‌های زن در داستان «أميرة القصر الذهبی» از محمد عطیة الإبراشی صورت نگرفته است که می‌توان ادعا کرد نگارندگان در این پژوهش کاری نو و قابل توجه ارائه داده‌اند.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. ادبیات کودک

ادبیات کودک در ادبیات مدرن، نوعی ادب جدید تلقی می‌شود که به‌واسطه تعامل با ادبیات مدرن غربی، به وجود آمده و مراحل مختلفی را طی کرده است. (صدیق، ۲۰۱۰: ۳۰) دنیای کودک، دنیایی شگفت‌انگیز است که سبب می‌شود محققان و پژوهشگران تلاش کنند تا رازهای موجود در آن را حل کنند. (دومان، ۲۰۰۹: ۱) کودکان در دوران کودکی نیازمند آموزش و یادگیری هستند تا به شناختی کامل نسبت به محیط و افراد پیرامون خود دست پیدا کنند؛ لازمه دستیابی به این شناخت، منابعی معتبر و قابل اعتماد است که یکی از این منابع، ادبیات کودک است که با تصویرسازی و بیان مستقیم و گاه غیرمستقیم، به کودکان در شناخت محیط پیرامون خود و درک مفاهیم کمک می‌کند.

مهم‌ترین هدف ادبیات کودک، آموزش است؛ زیرا داستان‌ها می‌توانند زمینه‌ساز مهارت‌ها و استعداد‌های کودکان باشند. (منفردان، ۱۳۹۴: ۱۵) هدف دیگر ادبیات کودک، ساختن بشریت و جامعه

است؛ بنابراین کودک از طریق ادبیات، مسائل گوناگون را می‌شناسد و راه‌های مقابله با آن را می‌آموزد؛ از دیگر اهداف این ادبیات، علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و ایجاد اندیشه‌ی صلح است. (حجازی، ۱۳۷۹: ۲-۲۱)

در میان انواع ادبیات کودک، ادبیات داستانی کودک جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا «قصه‌ها و داستان‌ها به سازمان‌دهی و تقویت افکار، احساسات، اعتقادات و رفتارهای مردم کمک می‌کنند» (علوی لنگرودی و رجایی، ۱۳۹۵: ۱۱۹) پس باید گفت که داستان‌ها چون ابداعی و جذابند، بسیار محبوب هستند؛ اما باید توجه داشت که نویسنده در داستان‌های خود، از چه نوع نگرش و تصویری برای بیان مفاهیم استفاده می‌کند تا اثراتی سوء بر اندیشه و شناخت کودکان نسبت به محیط پیرامون نداشته باشد.

## ۲-۲. تعریف طرح‌واره

طرح‌واره در لغت به معنای «تصویر خطی ساده طرح کلی ابتدایی و فاقد جزئیات است.» (صدری‌افشار و همکاران، ۱۳۸۸: ۲/۱۸۵۶) مفهوم طرح‌واره، ساختار یا قالبی در اصل روان‌شناسی است که به ادراکات ما سمت و سو می‌دهد؛ به عبارت دیگر طرح‌واره‌های جنسیتی باورهای خود فرد هستند که بر عملکرد فرد تأثیر می‌گذارند. (ولی پور طیبی، ۱۳۹۶: ۳۶)

طرح‌واره‌های ما، پایه روابط را شکل می‌دهند؛ یعنی تعیین‌کننده این هستند که ما چگونه با دیگران برخورد داشته باشیم؛ همچنین به ما می‌گویند که چگونه خود و دیگران را نگاه کرده، چگونه برخورد کنیم و یا چگونه فکر کرده و احساسات خود را بیان کنیم؛ بنابراین طرح‌واره‌ها را باید تصاویر عمیقی در ناخودآگاه دانست که به صورت باور، رفتار، گفتار و احساسات، خود را نشان می‌دهند. (میراحمدی، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷)

این اصطلاح به تدریج پا به عرصه ادبیات و همچنین ادبیات کودک گذاشت که «در اغلب موارد با ارزش‌گذاری ناخودآگاه نویسنده و خواننده همراه است. واضح است که ارزش‌گذاری‌ها نیز در یک جامعه مردسالار، به نفع طرح‌واره‌های مردانگی است؛ به طور مثال در بیان طرح‌واره‌های جنسیتی در ادبیات، داشتن احساسات، نقطه‌ضعفی برای زنان در جامعه مردسالار به حساب می‌آید که در مقابل، خشونت مردانه ستوده می‌شود.» (قلزم، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۹) این طرح‌واره‌ها از قلم نویسنده داستان، بر ذهن مخاطب نیز تأثیر می‌گذارند. «در کتاب‌های داستانی کودکان، مردان به عنوان موجوداتی باهوش، زیرک، ماجراجو و مسؤول درآمد معرفی می‌شوند؛ درحالی که زنان به صورت انسان‌هایی منفعل و قربانی - شرایط پیرامونی قلمداد می‌گردند» (گروسی، ۱۳۸۴: ۱۴۰)؛ بنابراین «هرچه مردان برای خود تعریف می‌کنند، زنان به عنوان عکس آن تعریف می‌شوند. اگر مردان فعال هستند، زنان باید منفعل باشند، اگر

مردان منطقی هستند، زنان احساساتی هستند و به عبارت دیگر، تمام ویژگی‌های منفی نوع انسان به زنان تعلق دارد.» (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۹)

## ۲-۳. جایگاه زن در دوره نویسنده

آشنایی با جایگاه زنان در دوران زندگی نویسنده - که دوره معاصر را شامل می‌شود - ضروری است. در ابتدا زنان در خانه پنهان شده و از اختلاط آن‌ها با مردان جلوگیری می‌شد؛ همچنین اعتقاد بر این بود که زن شیطان است و باید از خواندن و نوشتن او جلوگیری شود تا به فساد کشیده نشود؛ اما در دوره معاصر، فلسفه‌های مدرن تا آنجا که ممکن است تلاش کرده‌اند زنان را با مردان برابر کنند. «اولین مدرسه دخترانه در جهان عرب در زمان اسماعیل پاشا در مصر و به دلیل دفاع الطهطاوی از آموزش دختران تأسیس شد.» (عثمان، ۱۹۷۶: ۱۴۸-۱۵۲)

به محض ظهور قرن بیستم، صدای قاسم امین، جهان عرب را در بر گرفت که از هم‌وطنانش می‌خواست دختران را تعلیم دهند، حجاب را کاهش یا بردارند و حقوق اجتماعی و آزادی زنان با استناد به آیات قرآن و احادیث و متناسب با دوران معاصر مشخص شود. (عثمان، ۱۹۷۶: ۱۵۳) این‌گونه فعالیت زنان گسترش پیدا کرد و به مرور، اتحادیه زنان عرب و اتحادیه زنان مصر نیز برای دفاع از اهداف زنان تأسیس شد و همچنین حزب ملی زنان بنیان‌گذاری شد که در رأس مطالبات آن، پذیرش زنان در همه مشاغل دولتی بود؛ در نهایت پس از انقلاب (۱۹۵۲م) مشارکت زنان در تمام زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به اوج خود رسید. ([www.sis.gov.eg](http://www.sis.gov.eg))

## ۲-۴. خلاصه داستان

داستان از مرگ پادشاه شروع می‌شود. بعد از مرگ وی، پسرش روزی به اتاقی وارد می‌شود که بر دیوارش، تصویر دختر پادشاه قصر طلایی آویخته شده بود؛ لذا بسیار شیفته آن دختر شد و با وزیر خود به فکر حیل‌های افتاد. وزیر به عنوان خدمتکار تاجری بزرگ، نزد شاهزاده خانم رفت و او را به دیدن کشتی طلایی و وسایل طلایی داخلش ترغیب نمود. هنگامی که شاهزاده خانم مشغول دیدن کشتی و وسایل طلایی داخلش بود، کشتی را به راه انداختند و از ساحل دور شدند. پس از آن پادشاه جوان، لباس مبدل را درآورد و گفت برای رسیدن به شما مجبور به این حیل شدم. پس شاهزاده خانم آرام گرفت و به پادشاه علاقه‌مند شد. در این هنگام وزیر سه کلاغ را دید که از خطرات سر راه پادشاه صحبت می‌کنند و دانست اگر پادشاه را نجات دهد، خود به مجسمه تبدیل می‌شود. پس با رسیدن به ساحل، حوادث یکی پس از دیگری اتفاق افتاد و وزیر به علت نجات جان پادشاه و همسرش به مجسمه تبدیل شد. سال‌ها بعد، مجسمه وزیر به حرف آمد و از پادشاه خواست تا از عزیزترین چیز خود (همسر و فرزندان) برای همیشه دست بکشد

تا وزیر به زندگی بازگردد و پادشاه قبول کرد. پس به پاس مهر و وفاداری پادشاه، وزیر زندگی دوباره یافت و همه با هم با خوشی ادامه زندگی خود را گذراندند.

### ۳. تحلیل طرح‌واره‌های زن در داستان

#### ۳-۱. عدم تطابق عنوان و متن داستان

با دقت در عنوان داستان، متنی عاشقانه و یا داستانی تصور می‌شود که شخصیت اصلی آن یک زن است؛ اما با مراجعه به متن داستان، هیچ ارتباطی میان عنوان و متن به چشم نمی‌خورد؛ زیرا داستان برخلاف عنوان فریبنده‌اش، داستانی با محتوای سیاست و حکومت‌داری و دربردارنده مطالبی در جهت آموزش سیاست‌مداری است؛ بنابراین می‌توان گفت داستان «أمیرة القصر الذہبی»، داستانی تعلیمی است که به نظر می‌رسد هدف نویسنده از نگارش آن، آموزش چگونگی رفتار یک پادشاه، تعامل با اطرافیان، انتخاب درست افراد مورداعتماد و نحوه برخورد با آنهاست و در حالت کلی، ستایش وفای به عهد و نکوهش ظن و گمان بد است که این محتوا، از عنوان داستان، انتظار نمی‌رفت. سؤال اینجاست که چه لزومی داشته نویسنده از چنین عنوانی استفاده کند؟ تنها پاسخی که می‌توان در نظر گرفت این است که این چنین عنوانی، صرفاً یک عنوان بوده که یا نویسنده آن را وضع کرده و یا داستان از گذشته چنین عنوانی داشته است.

#### ۳-۲. جنسیت زبانی

موضوع جنسیت زبانی، از منظرهای مختلف موردبررسی قرار می‌گیرد؛ اما از آنجا که بررسی کامل این عنوان از عهده این جستار خارج است، تنها به بررسی اجمالی آن خواهیم پرداخت. یکی از منظرهای جنسیت زبانی، دستور زبان است، چرا که برخی واژگان و افعال، بیانگر تمایلات جنسیتی هستند؛ لذا با بررسی جملات و افعال در داستان، ۵۷۸ فعل مذکر و مؤنث دیده شد: افعال مؤنث با ۱۰۳ بسامد و درصد تقریبی ۱۸ درصد و افعال مذکر با ۴۷۵ بسامد و درصد تقریبی ۸۲ درصد؛ بنابراین با توجه به بسامد و درصدهای ذکرشده برای افعال داستان، استفاده ۸۲ درصدی از افعال مذکر، غالب بر ۱۸ درصد افعال مؤنث است که این امر به جنسیت زبانی و قلم مردانه اشاره دارد؛ بنابراین می‌توان به این گفته زارع‌برمی اشاره کرد که «زبان جنسیت‌زده با توجه به تقابل‌های دوگانه جنسیتی، مردان را فاعل، فعال، قوی، فرهنگی، مستقل، انتخاب‌کننده، هنجار، آگاه، سابق، سرحال، نورانی و دارای منش پدرانه تصور می‌کند؛ اما زنان را مادر، همسر، منفعل، حامی، سوژه جنسی، انتخاب‌شونده، تابع، خانه‌دار، عاطفی، همیار، حمایت‌پذیر، طبیعی، تاریک و پست قلمداد می‌کند.» (زارع‌برمی، ۱۳۹۷: ۴۹)

#### ۳-۳. انعکاس طرح‌واره‌های زن به واسطه عناصر داستانی

عناصر داستان به چند بخش پیرنگ، شخصیت، معیار سنجش داستان، درون‌مایه، موضوع، زاویه، دید، صحنه، گفت‌وگو، سبک نگارش، لحن، فضا و نماد تقسیم می‌شود (میرصادقی: ۱۳۹۴) که در این جستار، در راستای انعکاس طرح‌واره‌های زن، به بررسی چندی از مهم‌ترین این عناصر خواهیم پرداخت.

### ۳-۳-۱. شیوه نگارش

شیوه نگارش و یا داستان‌نویسی این قصه، بر پایه شیوه کلاسیک داستان‌نویسی است. داستان با مریضی پادشاه شروع شده و خواننده به همراه راوی، حوادث داستان را لحظه‌به‌لحظه پیش می‌برد (فوت پادشاه، دل‌باخته شدن شاهزاده و...) که در ادامه گره‌افکنی صورت می‌گیرد (حوادثی برای جلوگیری از ازدواج پادشاه و شاهزاده خانم) و سپس داستان به اوج رسیده و بحران را پشت سر می‌گذارد که در نهایت با درایت و زیرکی وزیر گره‌گشایی می‌شود؛ اما بار دیگر گره‌افکنی اتفاق می‌افتد (مجسمه شدن وزیر) که در ادامه به پاس مهر و وفاداری پادشاه به وزیرش، گره‌گشایی صورت گرفته، روایت داستان به انتها می‌رسد. در اینجا می‌بینیم که چگونه نویسنده طرح‌واره‌های ذهنی خود مبنی بر فعال بودن مردان و منفعل بودن زنان را با گره‌افکنی و گره‌گشایی پیرامون مردان به تصویر کشیده است.

### ۳-۳-۲. شخصیت‌ها

داستان با شخصیت‌هایی چون پادشاه، وزیر، شاهزاده، شاهزاده‌خانم، کنیز، پادشاه قصر طلایی، دیگر خدمتکاران پادشاه، دو پسر پادشاه جوان و شخصیت‌های حیوانی چون سه کلاغ و یک اسب شکل می‌گیرد. از میان تمامی شخصیت‌های داستان، تنها ۲ شخصیت زن به چشم می‌خورد که منفعل و ایستا به تصویر درآمده‌اند. شاهزاده‌خانم در قالب همسر، انتخاب‌شونده، تابع و وفادار عنوان شده و کنیز نیز به عنوان شخصیتی منفعل و ایستا، تنها در یک بخش از داستان برای راه‌یابی وزیر به دیدار شاهزاده‌خانم اضافه شده که در ادامه داستان نیز حذف می‌گردد. بقیه شخصیت‌های داستان نیز مذکر هستند و نویسنده شخصیت‌های اصلی را از میان آن‌ها برگزیده و در قالب شخصیت‌هایی پویا، فعال، زیرک و انتخاب‌کننده به تصویر درآورده است.

توصیف شخصیت‌ها، توصیفی رفتاری بوده و نویسنده بیشتر اعمال و رفتار شخصیت‌ها را توصیف کرده و به توصیفات ظاهری آن‌چنان که باید، نپرداخته است؛ فقط در توصیف شخصیت شاهزاده‌خانم آمده است که وی زیبا بود؛ اما این زیبایی شرح داده نشده است. در ارتباط با شخصیت‌های حیوانی نظیر اسب و کلاغ نیز شاهد هستیم که محمد عطیه با آوردن لفظ مذکر از آن‌ها یاد کرده است؛ بنابراین می‌توان این نقد را بر نویسنده وارد نمود که وی می‌توانست از حیوانات مؤنث نظیر «حمامه» به جای «الغراب» و یا از «الفرس» به جای «الحصان» استفاده کند.



## ۳-۳-۳. گفتگو

«آن صحبتی که میان شخصیت‌های داستان، به‌صورت آزاد در ذهن شخصیت یا به صورت گسترده صورت می‌پذیرد، گفتگو نامیده می‌شود.» (باختین، ۱۳۷۳: ۱۲۰) با توجه به عنوان داستان - «أمیرة القصر الذهبی» - این انتظار می‌رود که غالب گفتگوهای داستان بین زنان یا شخصیت شاهزاده‌خانم و دیگر شخصیت‌ها صورت پذیرد؛ اما شاهد آن هستیم که گفتگو غالباً بین شخصیت‌های مرد - وزیر و پادشاه، وزیر و شاهزاده و ... - یا به‌شکل گفتگوی آزاد در ذهن وزیر شکل گرفته است؛ در این میان، در گفتگوهای کوتاه - میان وزیر و کنیز، وزیر و شاهزاده‌خانم و پادشاه با شاهزاده‌خانم - حضور زن در داستان مشهود است که این گفتگوها برای کمک به پیش‌برد داستان شکل گرفته‌اند. این نکته نیز به نوعی این طرح‌واره را در ذهن کودکان ایجاد می‌کند که شخصیت‌های زن، شخصیت‌هایی حاشیه‌ای بوده که به حضور آن‌ها در داستان احتیاجی نیست، مگر در ارتباط با شخصیت‌های مذکر و پیش‌برد داستان.

## ۳-۳-۴. زاویه دید

به شیوه روایت داستان که نویسنده به‌وسیله آن داستان را به خواننده ارائه می‌دهد، زاویه دید می‌گویند. در داستان‌گویی دو نوع زاویه دید داریم: زاویه دید اول‌شخص و زاویه دید سوم شخص یا دانای کل. زاویه دید متناسب با نوع تأثیری که نویسنده می‌خواهد با داستان بر مخاطب بگذارد، متفاوت است. (گل‌پرور و صمصام، ۱۳۹۲: ۹۷) زاویه دید روایت در ابتدا، دانای کل بوده و در ادامه، گاه داستان به صورت گفتگو بین شخصیت‌ها و گاه به کمک دانای کل روایت شده است.

«ذاتِ یومِ مَرَضِ السُّلْطَانِ، وَ حَیْنَمَا أَحْسَسَ أَنَّ نَهَائَتَهُ قَدْ قَرَبَتْ، طَلَبَ حُضُورَ وَزیرِهِ وَقَالَ لَهُ: ...» (أمیرة القصر

الذهبی، د.ت: ۳)

شاهزاده و وزیر، شخصیت‌های کانونی روایت هستند که راوی یا نویسنده داستان، حوادث را پیرامون افکار، گفتار و کنش‌های آن‌ها می‌چرخاند.

«رَأَى الْوَزیرُ الْمُنْخِصُ أَمَامَ تَصْمِيمِ السُّلْطَانِ السَّابِّ [...] السُّلْطَانُ اسْتَطَاعَ أَنْ يَرَاهَا، فَبَهْرَةً جَمَالُهَا، وَ وَقَعَ عَلَيَّ

الْأَرْضِ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ [...] فَقَالَ الْوَزیرُ: إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُحِيطُ بِهِذِهِ الْأَمیرَةُ مَصْنُوعٌ مِنَ الذَّهَبِ» (همان: ۱۰-۸)

مشخص است که راوی یا همان نویسنده، نظرگاه خود را به اندیشه، رفتار و کردار پادشاه و وزیر محدود کرده و آن‌ها را هسته اصلی روایت خود قرار داده است، هرچند که در اثنای داستان به اندیشه و رفتار شخصیت‌های دیگر نیز پرداخته؛ اما کلیت داستان با دو شخصیت ذکر شده است؛ بنابراین راوی از نقل شخصیت‌های دیگر در داستان، بالأخص شخصیت‌های مؤنث پرهیز کرده است، مگر آنکه این شخصیت‌ها در ارتباط با پادشاه جوان و وزیر قرار گرفته باشند؛ همچنین نویسنده مخاطب را وامی‌دارد تا از دید شخصیت‌های اصلی به شخصیت‌های دیگر بنگرد.

محمد عطیه به عنوان نویسنده و دانای کل، می‌بایست در قالب شخصیت‌های داستان رفته و با ذهنیت آن‌ها نسبت به شخصیت‌های دیگر، اوضاع و احوال حاکم بر داستان را داوری کرده و وضعیت و موقعیت‌های زمانی و مکانی داستان را شرح می‌داد (ر.ک میرصادقی، ۱۳۹۴: ۵۱۸)؛ اما در دو مثال زیر، خلاف این گفته را می‌بینیم.

«وَلَمَّا اقْتَرَبَ مِنْ بَابِ الْقَصْرِ وَجَدَ جَارِيَةً فِي حَدِيقَةِ الْقَصْرِ تَمَلُّاً دَلْوَيْنِ مِنَ الذَّهَبِ مَاءً مِنْ بئرٍ فِي هَذِهِ الْحَدِيقَةِ.» (أميرة القصر الذهبي، د.ت: ۱۴)

«وَحَيْنَمَا سَمِعَتْ ابْنَةَ مَلِكِ الْقَصْرِ الذَّهَبِيِّ كَلَامَ السُّلْطَانِ، هَدَّاتُ تَوْرُتُهَا وَارْتَاَحَ بِأَلْهَاهَا، وَاطْمَأَنَّتْ نَفْسُهَا.» (همان: ۱۹-۲۰)

این دو نمونه، شاهدی بر این است که نویسنده داستان به عنوان راوی کل نتوانسته است به ذهن شخصیت‌های زن وارد شود و از زبان آنان حوادث و داستان را روایت نماید، گویی در کلیشه‌های ذهنی خود مبنی بر عدم حضور زنان گیر کرده و تصویری که از زن ارائه می‌دهد، بسیار محدود بوده و تنها به شخصیت‌های مرد و نگاه آن‌ها پرداخته است. در مثال زیر نیز نوعی دیگر از کم‌کاری راوی کل را شاهد هستیم:

«وَحَيْنَمَا شُغِلَتْ الْأَمِيرَةُ بِمُشَاهَدَةِ التُّحَفِ وَالْجَوَاهِرِ أَخَذَ الْوَزِيرُ يَتَأَخَّرُ شَيْئاً فَشَيْئاً، ثُمَّ اتَّصَلَ بِالْبَحَّارَةِ، وَأَمَرَهُمْ بِرَفْعِ الْقِلَاعِ وَشِرَاعِ السَّفِينَةِ وَ الْإِبْحَارِ بِسُرْعَةٍ.» (همان: ۱۸)

در این مثال، نویسنده به عنوان راوی کل، این اجازه را دارد تا در روایت داستان دخالت کند و داستان به نوعی دیگر روایت گردد؛ اما از آنجا که در طرح‌واره‌های ذهنی خود، این نوع رفتار با زن قابل قبول بوده و زن را همانند یک شیء می‌داند، لذا داستان را به همان شکل قدیم خود، بازروایی کرده و هیچ تغییری به آن نداده است.

۳-۳-۵. درون‌مایه

۳-۳-۵-۱. نگاه افراطی زن به طلا

«إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يَحِيطُ بِهِذِهِ الْأَمِيرَةِ مَصْنُوعٌ مِنَ الذَّهَبِ، [...] وَ شِعَارُهَا فِي كُلِّ وَقْتٍ الذَّهَبُ، الذَّهَبُ.» (همان: ۱۱)

«وَ كَانَ السُّلْطَانُ يَرَى الْأَمِيرَةَ الْبِضَائِعَ الذَّهَبِيَّةَ شَيْئاً فَشَيْئاً فَأَرَاهَا الْأَطْبَاقَ وَ الْفَنَاجِينَ وَ الْأَكْوَابَ وَ الْحَيَوَانَاتِ الْعَجِيبَةَ وَ الطُّيُورَ الْغَرِيبَةَ الْمَصْنُوعَةَ مِنَ الذَّهَبِ. وَ قَدْ اسْتَعْرَفَتْ هَذِهِ الْمُشَاهَدَةُ عِدَّةً سَاعَاتٍ.» (أميرة القصر الذهبي، د.ت: ۱۸)

در دو مثال قبل، نمونه‌هایی از طرح‌واره ذهنی نویسنده با عنوان نگاه افراطی زنان به طلا را شاهد هستیم که این طرح‌واره در مثال اول، به‌گونه‌ای بیان شده که شاهزاده‌خانم به طلا علاقه بسیار دارد و هر آنچه در اطرافش دیده می‌شود، ساخته شده از طلاست و هر لحظه در فکر و خیال طلاست و صرفاً نیز

در صحبت‌هایش، طلا جایگاه نخست را دارد. در مثال دوم نیز می‌بینیم که شاهزاده‌خانم آن‌گونه غرق تماشای اشیاء طلایی بوده که چندین ساعت از اطرافش غافل می‌شود. نویسنده با اغراق در بیان این غفلت شاهزاده‌خانم، شدت علاقه وی به طلا را نشان داده است.

در ادامه داستان، بار دیگر نویسنده به علاقه وافر زنان به طلا تأکید می‌کند و معتقد است که این علاقه بیش از حد، هیچ ارتباطی به جایگاه و نقش‌هایی که زنان ایفا می‌کنند - خواه دختر پادشاه، خواه کنیز - نداشته و برای همه زنان یکسان است. نوع نگاه جاریه (کنیز شاهزاده‌خانم) به طلا نیز از این قاعده مستثنا نیست:

«أنا تاجرٌ مشهورٌ في كلِّ الأقطارِ يبيعُ الثَّحَفِ الثَّمِينَةَ، وَ الْهَدَايَا الْعَالِيَةَ مِنَ الذَّهَبِ الْخَالِصِ، [...] فَلَمْ تَمْلِكِ الْجَارِيَةُ نَفْسَهَا مِنَ الْإِعْجَابِ، وَ صَاحَتْ فِي فَرْحٍ وَ سُرُورٍ» (همان: ۱۴)

با توجه به مثال ارائه‌شده، می‌بینیم که کنیز از دیدن هدایایی که وزیر به همراه داشت، به حدی تعجب می‌کند که نمی‌تواند احساسات خود را کنترل کند و از خوشحالی فریاد می‌زند... نویسنده با این تصویر، به علاقه بیش از حد زنان به طلا اشاره کرده است و این علاقه افراطی را فارغ از جایگاه و طبقه اجتماعی زنان، ملازم خوی آنان دانسته است. محمد عطیه به عنوان نویسنده داستان، این اختیار را داشت که این خصیصه را برای زنان به شکل افراطی بیان نکند و به عبارت دیگر، می‌توانست این مفاهیم را به گونه‌ای ایراد کند که این خصلت برای زنان بزرگ‌نمایی نشود؛ اما از این کار نیز خودداری کرده است. او با این کار، این تصویر را در ذهن کودک ایجاد کرده که زنان بیش از حد به طلا علاقه دارند و طلا جزء جدانشدنی از وجود زن است.

### ۳-۳-۵. شیء‌انگاری و به حاشیه راندن زن

از طرح‌واره‌های دیگری که محمد عطیه در داستان خود از آن استفاده کرده، طرح‌واره شیء‌انگاری یا در حاشیه قرار دادن زنان است که نمونه‌هایی از آن را در ادامه می‌بینیم:

«فَقَالَ السُّلْطَانُ السَّابُّ: إِنَّنِي أَحِبُّ هَذِهِ الْأَمِيرَةَ حُبًّا عَمِيقًا [...] وَأَنْتِ يَا وَزِيرِي الْأَمِينِ عَلَيَّ أَنْ تَكُونِ مُسَاعِدًا لِي فِي تَحْقِيقِ رَغْبَتِي فِي التَّرْوِجِ بِهِذِهِ الْأَمِيرَةِ.» (امیره القصر الذهبي، دت: ۱۰)

در این مثال، شاهزاده برای رسیدن به شاهزاده‌خانم به دنبال این است که از چه راهی وارد شود و چه ترفندی را به کار گیرد تا او را به سان یک شیء تصاحب کند که در این جا به این نکته که شاهزاده‌خانم یک انسان با قوه انتخاب و اختیار است، توجهی نشده است.

نقد دیگری که بر این داستان وارد است، این است که محمد عطیه به عنوان یک نویسنده معاصر، توانایی دخل و تصرف در جریان روایت داستان را دارا بوده؛ اما هیچ تغییری ایجاد نکرده است، در حالی که می‌توانست برای شخصیت‌های زنان، قدرت انتخاب و اختیار طراحی کند؛ بنابراین می‌توان گفت که

این عدم تغییر توسط نویسنده، نشان از آن دارد که وی به شیء‌انگاری زنان معتقد بوده و آن را یک امر بدیهی می‌دانسته، لذا روند داستان قدیم را همان‌گونه که بوده، روایت کرده است.

«فَدَهَيْتُ وَ تَحَيَّرْتُ وَ صَاخْتُ [...] وَ اسْتَمَرَّتِ الْأَمِيرَةُ ثَائِرَةً تَصِيحُ مِنْ شِدَّةِ الْخَوْفِ. وَ عِنْدَ ذَلِكَ خَلَعَ السُّلْطَانُ ثَوْبَهُ الْمُسْتَعَارَ وَ ظَهَرَ فِي ثِيَابِ السَّلَاطِينِ. [...] فَكُنْتُ عَرَفْتُ أَنَّ الْأَمِيرَ لَا يُرِيدُ بِهَا شَرًّا وَ هَدَاتٍ وَ أَظْهَرْتُ حُبَّهَا لِلْسُّلْطَانِ، وَ إعْجَابَهَا بِهِ، وَ رَضِيْتُ أَنْ تَصِيرَ زَوْجَةً مُخْلِصَةً لَهٗ.» (همان: ۲۰-۱۸)

در این مثال، دو مورد قابل ذکر است: اول اینکه شاهزاده‌خانم با اطلاع از علاقه پادشاه به خود، آرام گرفته و راضی به ازدواج با او می‌شود. این نکته به این موضوع اشاره دارد که این طرح‌واره در اندیشه و باور خود زنان نیز تثبیت شده است که همچون یک شیء و یک کالا با آن‌ها برخورد شود و گویی آنان حق انتخاب نداشته و همیشه تسلیم خواسته مردان‌اند. مورد دوم این است که نویسنده داستان، با به‌کارگیری این طرح‌واره، به کودک این نکته را می‌آموزد که ای پسر، می‌توانی با زن همچون یک شیء رفتار کنی و ای دختر، اگر با تو چنین رفتاری شد، این برخورد، قابل قبول و پذیرفتنی است!

### ۳-۳-۵. نادیده‌انگاری زن

این طرح‌واره از نمونه طرح‌واره‌های ذهنی نویسنده است که در داستان به چشم می‌خورد.  
«قَالَ الْوَزِيرُ الْمَخْلُصُ لِلْسُّلْطَانِ: [...] سَأَقُومُ بِحِيلَةٍ أَرْجُو أَنْ نَجَحَ فِيهَا، فَأَحْضِرْ مَعِيَ الْأَمِيرَةَ إِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ.»  
(أميرة القصر الذهبي، د.ت: ۱۴ و ۱۲)

در این مثال، گویی نویسنده شخصیت زن را به عنوان یک شخصیت تأثیرگذار قبول ندارد و از این رو، شاهزاده‌خانم به شکل یک شخصیت منفعل و تأثیرپذیری به تصویر درآمده که محکوم است تا خود را با شرایط وفق دهد. در داستان هیچ دیالوگ و اشاره‌ای در ارتباط با مخالفت یا خواسته دختر دیده نمی‌شود؛ بلکه شاهزاده بدون توجه به خواست شاهزاده‌خانم، او را به سان طعمه‌ای می‌داند که هیچ اختیاری نداشته و برای دزدیدن و رسیدن به وصال وی، با کمک وزیرش دست به حيله و نیرنگ می‌زند و به علایق شاهزاده‌خانم توجهی ندارد و فقط به خود و خواسته‌هایش اهمیت می‌دهد. این طرح‌واره در دورانی که به زنان در جامعه توجه بسیار می‌شود و زنان در جایگاه‌های عالی جامعه حضور دارند، طرح‌واره‌ای منفی به شمار می‌رود؛ بنابراین این موضوع بر ذهن مخاطب - خصوصاً کودکان - سایه افکننده و شناختی نادرست را برای آن‌ها رقم می‌زند که در آینده آنان نیز بسیار تأثیرگذار خواهد بود، چرا که به دختران می‌آموزد تا خود را همانند یک شیء بی‌اختیار بدانند و به پسران نیز می‌آموزد که چگونه با دختران رفتار نمایند.

در مثالی دیگر نیز می‌بینیم که مجسمه وزیر به سخن درآمده و برای خلاصی از وضعیتش، از پادشاه می‌خواهد که برای همیشه عزیزترین چیزش را - که همانا زن و دو فرزندش است - رها کند. پادشاه نیز

بدون توجه به خواست و اراده ملکه، تصمیم به جدایی از او و دو فرزندش می‌گیرد، گویی پادشاه، همسرش را به عنوان شریک زندگی، لایق نظرخواهی نمی‌بیند و مستبدانه تصمیم به جدایی می‌گیرد که این نیز نوعی از نادیده‌انگاری در حوزه‌زن‌ستیزی به شمار می‌رود.

«فَقَالَ التَّمَالُ الْحَجْرِيُّ: [ ... ] لَا بُدَّ مِنْ أَنْ تُفَارِقَ زَوْجَتَكَ السُّلْطَانَةَ وَ الْأَمِيرِينَ الصَّغِيرِينَ إِلَى الْأَيْدِ...» (همان: ۳۸)

### ۳-۳-۵. زیبایی و دلربایی

دلربایی و زیبایی زن از گذشته تا به حال مورد توجه بوده و به مرور زمان، به شکل طرح‌واره‌ای جنسیتی درآمده است. در داستان‌ها از زیبایی زنان بسیار سخن به میان آمده است و همان‌گونه که در این داستان نیز می‌بینیم، محمد عطیه با اشاره به لفظ «الجميلة» برای عروس، زیبایی را برای زن لازم دانسته و آن را به تصویر کشیده است، لذا می‌بینیم که با وجود تغییر و تحولات بسیار و ارتقای جایگاه زن در جامعه عرب و بالأخص مصر، همچنان زنان در دستاوردهای ادبی، با همان نگاه قدیم به عنوان نمادی از «موجود زیبایی به تصویر کشیده شده است که عواطف خوب و بد را در وجود انسان تحریک می‌کند.» (شاهسونی، ۱۳۹۵: ۶۰)

«... تَنْقُذُ حَيَاتَهُ وَ حَيَاةَ عُرُوسِهِ الْجَمِيلَةَ» (امیره القصر الذهبی، د.ت: ۲۳)

محمد عطیه همچنین در ابتدای داستان برای ذکر طرح‌واره زیبایی و جذابیت برای زن و تأکید بر آن، از مثال زیر استفاده کرده است:

«فَبَهْرَةٌ جَمَالُهَا وَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ [ ... ] لِمَنْ هَذِهِ الصُّورَةُ الْجَمِيلَةُ الَّتِي فِي الْحُجْرَةِ؟» (همان: ۱۰)

در این مثال، نویسنده برای بیان طرح‌واره زیبایی و دلربایی، دست به اغراق زده است که شاهزاده با دیدن عکس شاهزاده‌خانم و زیبایی بیش از حد وی، بی‌هوش می‌شود. لذا این طرح‌واره در ذهن مخاطب کودک به یادگار می‌ماند که دختران و زنان باید زیبا و دلربا باشند و این طرح‌واره که به ظاهر از دید نویسنده و جامعه، طرح‌واره‌ای مثبت تلقی می‌شود، در باطن طرح‌واره‌ای منفی است که تأکید بر آن، در روحيات کودکان دختر اثرات مخرب و غیرقابل جبرانی خواهد گذاشت.

### نتیجه

کودکان در جریان هویت‌یابی و جامعه‌پذیری، به شناختی درست از اطراف خود نیاز دارند که یکی از راه‌های شناخت کودک از اطرافش، داستان کودک است؛ بنابراین چنانچه در داستانی عمداً یا سهواً تصویری نادرست ارائه شود، اثرات جبران‌ناپذیری را بر اندیشه آن‌ها خواهد گذاشت، پس از ضروریات است که داستان‌های کودکان از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. با بررسی داستان «امیره القصر

الذهبی»، نتایج نشان می‌دهد که طرح‌واره‌هایی همچون: زیبایی و دلربایی، علاقه افراطی به طلا، شیء-انگاری، به حاشیه راندن زن و نادیده‌انگاری، طرح‌واره‌هایی منفی هستند که البته مثبت یا منفی بودن این کلیشه‌ها، بسته به نگرش و عقاید هر فرد و جامعه‌ای می‌تواند متفاوت باشد. محمد عطیه با توجه به دیدگاه خود، آن هم در جامعه‌ای که زنان نقشی جز زیبایی و دلربایی ایفا می‌کنند، زیبایی و دلربایی را به عنوان طرح‌واره‌هایی مثبت به کار گرفته است؛ اما به نظر نگارندگان این پژوهش، تأکید بر زیبایی ظاهری زنان، جنبه‌ای منفی است که سبب می‌شود افکار و اندیشه کودکان به جای شناخت درست و پرداختن به اصل مسأله، به سمت امور فرعی منحرف شود و این‌گونه در جریان هویت‌یابی دچار مشکل شده، بر روحیه آن‌ها تأثیر سوء گذارد؛ همچنین برخلاف عنوان داستان که اشاره مستقیم به جنس زن دارد، در متن داستان، زنان نقشی کمرنگ دارند که با طرح‌واره‌هایی منفی به تصویر کشیده شده‌اند. در ارتباط با مردانه‌نویسی نیز باید گفت که چگونگی تقسیم افعال، شخصیت‌ها، گفتگوها و همچنین نوع داستان‌سرایی و زاویه دید، اشاره صریح به قلم مردانه دارد، به طور مثال استفاده ۸۲ درصدی از افعال مذکر، به‌کارگیری شخصیت‌های مذکر بیش از شخصیت‌های مؤنث، قرار دادن گفتگوی زنان در حاشیه گفتگوی مردان، گره‌افکنی حول محور شخصیت‌های مذکر و تأکید بر توانایی و فعال بودن شخصیت‌های مذکر در گره‌گشایی و زاویه دید راوی و توجه به شخصیت‌های ذکور به عنوان شخصیت‌های اصلی، همگی از این امر حکایت دارد؛ همچنین نویسنده در داستانش، زنان را به شکل شخصیتی ثانوی و بدون قوه اختیار به تصویر کشیده است که هیچ نقش محوری و مؤثری ندارند. وی به عنوان نویسنده‌ای معاصر، با استفاده از طرح‌واره‌های منفی - آن هم در دورانی که عقاید و تفکرات جامعه همراه و هم‌سو با جنبش زنان است - خواسته یا ناخواسته عقاید جامعه مردسالار را در داستان خود به نمایش درآورده و با استفاده از طرح‌واره‌ها، آن‌ها را به ذهن مخاطبان خود القا کرده است که از دید نگارندگان این جستار، این مسأله جای نقد دارد.

### پی‌نوشت‌ها

۱- محمد عطیه الإبراشی (۱۸۹۷-۱۹۸۱) متفکر و فیلسوف، در یکم آوریل ۱۸۹۷ در روستای «العزیزیه» در استان شرقی مصر به دنیا آمد. وی از نویسندگانی بود که برای کودکان، داستان و نمایشنامه می‌نوشت که مجموعه‌ای از داستان‌ها را با تأثیرپذیری از داستان‌های غربی و شرقی، برای کودکان عرب پدید آورد. (زلط، ۱۹۹۴: ۱۶۱) او با حفظ کردن قرآن در کتابخانه روستا، در سال ۱۹۲۱ به دیپلم دارالعلوم دست یافت و سپس به‌عنوان معلم زبان عربی برای مدارس ابتدایی تعیین شد. در سال ۱۹۲۴ برای بورسیه تحصیلی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، به انگلستان مسافرت کرد. وی علوم تربیتی و روان‌شناسی را فراگرفت و در سال ۱۹۲۷ دیپلم علوم تربیتی و روان‌شناسی خود را از دانشگاه اِکسترا گرفت و به مطالعه سایر زبان‌ها جذب شد؛ بنابراین زبان سریانی را فراگرفت تا اینکه مدرک خود را در سال ۱۹۲۹ از دانشگاه سلطنتی لندن گرفت و پس از آن در سال ۱۹۳۰ موفق به اخذ دیپلم زبان عبری از کانون زبان‌های شرقی شد. هنگامی که به مصر بازگشت، در دانشکده دارالعلوم به تدریس علوم تربیتی و روان‌شناسی مشغول شد و بسیاری از اساتید مانند دکتر احمد حوفی، دکتر احمد شَلْبی، دکتر سید

رزق و... به دست وی فارغ‌التحصیل شدند. سپس توسط طه حسین برای عضویت در کمیته ترجمه و نشر ترجمه فرهنگ غربی به عربی انتخاب شد. بعد از آن در سال ۱۹۴۵ به وزارت معارف عمومی رسید و چندین مقام را در آن به دست آورد. در سال ۱۹۵۳ از آن استعفا داد و این استعفا، نقطه عطف با ارزشی در زندگی وی بود، جایی که او روش متفاوتی از اسلوب‌های تربیتی را دنبال کرد که آن آموزش و پرورش از راه نوشتن و تألیف بود. (www.wahetelkotob.com)

او نخستین مصری بود که کتاب‌هایی به زبان‌های سامی، تألیف و چاپ کرد. وی بخش ویژه‌ای برای چاپ کتب عبری و سریانی در چاپخانه امیری تأسیس و حروف این زبان را در سال ۱۹۳۵ از فرانسه وارد نمود. محمد عطیه چهل کتاب به کتابخانه عربی اهدا کرد که برخی ویژه مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است و بسیاری از آن‌ها هنوز هم در مصر و کشورهای عربی تدریس می‌شود. از مهم‌ترین کتاب‌های وی می‌توان به آثار چون: کتاب التربية الإسلامية (پرورش اسلامی)، علم النفس التربوي (روان‌شناسی تربیتی)، علم النفس للجمع (روان‌شناسی همگانی)، الاتجاهات الحديثة (گرایش‌های نوین)، التربية والحياة (پرورش و زندگی)، جان جاک روسو و آراءه في التربية والتعليم (ژان ژاک روسو و نظریه‌اش در آموزش و پرورش)، روح الإسلام (روحیه اسلامی)، عظمة الرسول (عظمت و بزرگی پیامبر) و الأساس في اللغة العبرية (اصول در زبان عبری) اشاره کرد. (دهقانی، ۱۳۹۹: ۵۰)

محمد عطیه الإبراشی اولین کسی بود که برای کودکان نوشت و کتب فراوانی در این حیطه از وی به چشم می‌خورد که از میان انبوه آن‌ها، می‌توان به اطفال الغابة (کودکان جنگل)، البنت والأسد (دختر و شیر)، أمیره القصر الذهبی (شاهزاده‌خانم قصر طلائی)، الأمیره و الثعبان (شاهزاده‌خانم و مار)، السلطان المسحور (پادشاه جادوشده)، الكلب الوفی (سگ وفادار)، الجندی المجهول و قصص أخرى (سرباز گمنام و قصه‌هایی دیگر)، الأمیره الحسنة (شاهزاده‌خانم زیبا) و داستان‌های بی‌شمار دیگری از این قبیل اشاره کرد. محمد عطیه در بسیاری از اجلاس‌های علمی در خارج و داخل کشور شرکت نمود که بیشترین تأثیر را در آثار وی داشت. سرانجام وی در تاریخ ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۸۱ میلادی درگذشت. (همان)

## منابع

### منابع عربی

- الإبراشي، محمد عطية. (د.ت). **أميرة القصر الذهبی**؛ المكتبة الخضراء للأطفال ۲۹، الطبعة التاسعة، القاهرة: دارالمعارف.
- دومان، غنية. (۲۰۰۹م). **أدب الأطفال عند محمد ناصر**، بحث مقدم لنيل شهادة الماجستير، جامعة الحاج لخضر-باتنة، كلية الآداب والعلوم الإنسانية.
- زلط، احمد. (۱۹۹۴م). **أدب الأطفال اصوله و مفاهيمه و رواه**؛ الطبعة الثانية، القاهرة: الشركة العربية للنشر و التوزيع.
- صديق، فضيلة. (۲۰۱۰م). **أدب الأطفال في العالم العربي و وسائل الإعلام - مقارنة لدور وسائل الإعلام في التمية اللغوية عند الطفل**، مذكره مكتملة لنيل شهادة دكتوراه، جامعة مستغانم: كلية الآداب و الفنون
- عثمان، علی. (۱۹۷۶م). **المرأة العربية عبر التاريخ**، الطبعة الثانية، بيروت: دار التضامن

### منابع فارسی

- باختین، میخائیل. (۱۳۷۳). **سودای مکالمه و خنده آزادی**؛ ترجمه محمد پوینده، تهران: آرت.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۹). **ادبیات کودکان و نوجوانان؛ ویژگی و جنبه‌ها**؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات روشنگران مطالعات زنان.
- دهقانی، سحر. (۱۳۹۹). **بررسی جنسیتی زن در ادبیات کودکان شمال آفریقا (مطالعه موردی محمد عطیه الإبراشی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد.
- رمضان‌نای، افسانه. (۱۳۹۲). **تحلیل و بررسی جنسیت و نقش‌های جنسیتی در داستان‌های فریبا کلهر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند.
- زارع‌برمی، مرتضی. (۱۳۹۷). «**نمودهای زنانگی و مردانگی در زنانه‌نویسی و مردانه‌نویسی**»؛ **ادبیات پارسی معاصر**، سال هشتم، شماره ۲، صص ۳۹-۵۶.
- شاهسونی، مجتبی. (۱۳۹۵). **تحلیل محتوایی رمان‌های هیفا باسیل بیطار**، رساله دکتری، رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران. (۱۳۸۸). **فرهنگ‌نامه فارسی: واژگان و اعلام**؛ ج ۲، تهران: فرهنگ معاصر.
- علوی لنگرودی، کاظم و افسانه رجایی. (۱۳۹۵). «**تأثیر برنامه درسی قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی در دروس انشاء و هنر**»؛ **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، سال سیزدهم، دوره ۲، شماره ۲۴، صص ۱۱۸-۱۲۹.
- قلزم، زهره. (۱۳۹۲). **نقد و بررسی نقش‌های جنسیتی ده رمان نوجوان برگزیده دهه هشتاد بر اساس نظریه «جنسیت و نوع ادبی» از دیدگاه جان استیونز**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز.
- گروسی، سعیده. (۱۳۸۴). **بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی (مورد مطالعه شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن)**، رساله دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز.
- گل‌پرور، ابراهیم و حمید صمصام. (۱۳۹۲). «**بررسی عناصر داستانی داستان‌های کوتاه احمد دهقان (بر اساس مجموعه داستان من قاتل پسران هستم)**»، **فصلنامه زبان و ادب فارسی**، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۸۵-۱۱۰.
- مطهری، شهلا. (۱۳۹۰). **بررسی زبان جنسیتی در مطبوعات اجتماعی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز.



- منفردان، الهام. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل ساختار و محتوای داستان‌های کودک و نوجوان در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۰۰، رساله دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز.
- میراحمدی، فرزاد. (۱۳۹۷). طرح‌واره‌های شخصیتی: رهایی از تله‌های ذهنی برای آفرینش شخصیت سالم‌تر؛ چاپ اول، تهران: ذهن موفق.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۴). عناصر داستان، چاپ نهم، تهران: سخن.
- ولی‌پور طیبی، افسانه. (۱۳۹۶). بررسی نقش‌های جنسیتی در رمان‌های برگزیده فرهاد حسن‌زاده (بر اساس نظریه «جنسیت و نوع ادبی» جان استیونز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد شیراز.

#### منابع اینترنتی

- <http://wahetelkotob.com/author/668496523565154>
  - تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷ ساعت ۱۹:۰۵
  - <https://www.sis.gov.eg/Story/69259/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%8A%D8%AE-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B1%D8%A3%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B5%D8%B1%D9%8A%D8%A9-?lang=ar>
- تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ ساعت ۱۵:۴۲

#### References

- **Arabic sources**
- Al-Ibrashi, Muhammad Atiyah (n.d). Prince of Golden Palace, Green Library for Children 29, Ninth edition , Cairo: Dar Al-Maaref Publications.
- Duman, GHaniat (2009). Children's literature in Mohammad Nasser, MSc Thesis in Arabic Language and Literature, Al-Hajj Lakhdar Batnah University: Faculty of Literature and Humanities.
- Zalat, Ahmad (1994). Children's literature, its origins, concepts and pioneers, second edition , Cairo: Arab company for publishing and distribution.
- Sadigh, Fazile (2010). Children's literature in the Arab world and the media - an approach to the role of the media in children's language development, PhD in Arabic Language and Literature, Mustaghanem University: Faculty of Arts and Letters.
- Othman, Ali (1976). Arab women throughout history, second edition , Beirut: Dar Altazamon Publications.
- **Persian resources**

- Bakhtin, Michael (1994). *The longing for conversation and laughter, freedom*, translated by Mohammad Pooyandeh, Tehran: Art Publications.
- Hejazi, Banafsheh (2000). *Children and Adolescents Literature Characteristics and Aspects*; Third edition, Tehran: Roshangaran Publications of Women Studies.
- Dehghani, Sahar (2020). *A Gender Survey of Women in the Literature of Your Children in Africa (Case Study of Muhammad Atiyah al-Ibrashi)*, MSc Thesis in Arabic Language and Literature, Kowsar University of Bojnourd.
- Ramadani, Afsaneh (2013). *Analysis and study of gender and gender maps in Fariba Kalhor's stories*, MSc Thesis in Persian Language and Literature, Birjand University.
- Zare Barmi, Morteza (2018). "Manifestations of femininity and masculinity in feminism and masculinity"; *Contemporary Persian Literature*, Year 8, No. 2, pp. 39-56.
- SHahsavani, Mojtaba (2016). *Content analysis of Haifa Basil Bitar novels*, PhD in Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University.
- Sadri Afshar, Ghulam Hussein & Others (2009). *Persian Dictionary: Vocabulary and Announcement*; Cover 2, Tehran: Farhang Maser Publications.
- Alawi Langroudi, Kazem & Rajae, Afsaneh (2016). "Effect of storytelling and creative drama curriculum on creativity and academic performance of fifth-grade elementary school female students in composition and art courses"; *Research on Curriculum Planning*, Year 13, Vol. 2, No. 24 (51), pp. 118-129.
- Qolzom, Zohreh (2013). *Critique of gender roles of ten selected adolescent novels of the eighties based on the theory of "gender and literary genre" from the perspective of John Stevens*, MSc Thesis in Persian Language and Literature, Shiraz University.
- Garoussi, Saida (2005). *Investigating the Effect of Formal Beliefs on Gender Inequality (Case Study: Kerman and Surrounding Villages)*, Ph.D. Thesis in Persian Language and Literature, Shiraz University.
- Golparvar, Ebrahim & Samsam, Hamid (2013). "Examining the story elements of Ahmad Dehghan short stories (based on the collection of stories I am your son's killer)"; *Persian Language and Literature Quarterly*, Year 5, No. 15, pp. 85-110.
- Motahari, SHahla (2011). *A Study of Gender Language in Iranian Social Press*, MSc Thesis in Persian Language and Literature, Shiraz University.
- Monfaredan, Elham (2017). *Study and analysis of the structure and content of children's and adolescents' stories in the years 1921-1978*, PhD Thesis in Persian Language and Literature, Tabriz University.

- Mirahmadi, Farzad (2018). Personality schemas: getting rid of mental traps to create a healthier personality; First Edition, Tehran: Publications Zehn Mowaffaq.
- Mirsadeghi, Jamal (2015). Story elements; Ninth edition, Tehran: Sokhan Publications.
- Walipur Taybi, Afsaneh (2017). A Study of Gender Roles in Farhad Hassanzadeh's Selected Novels (Based on John Stevens' Theory of "Gender and Literary Genre"), MSc Thesis in Persian Language and Literature, Shiraz Azad University.
- **Site**
- <http://wahetelkotob.com/author/668496523565154> Accessed 18 May 2010
- <https://www.sis.gov.eg/Story/69259/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%8A%D8%AE-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B1%D8%A3%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B5%D8%B1%D9%8A%D8%A9-?lang=ar> Accessed 15 June 2021

## مخططات المرأة في قصة الطفل "أميرة القصر الذهبي" لمحمد عطية الإبراشي\*

حسين شمس آبادي<sup>۱\*</sup>، اميد ايزانلو<sup>۲</sup>، سحر دهقاني<sup>۳</sup>

\* أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الحكيم السيزوار، سيزوار، إيران

<sup>۲</sup> أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة كوثر، بجنورد، إيران.

<sup>۳</sup> طالبة ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة كوثر، بجنورد، إيران.

### معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:	حاولت المرأة أن تصنع لنفسها مكانة مرموقة في الأدب كما لعبت دوراً بارزاً فيه. فبمضي الزمن ورغم التحديات التي واجهت استطاعت المرأة ان تحقق لنفسها مكانه لامعه في الاوساط الادبيه لاسيما ادب الاطفال. تعتبر دراسة المخططات الأنثوية في أدب الأطفال ذات أهمية كبيرة لأنه من خلال قراءة القصة، يتعرف الأطفال على المجتمع والأدوار والمخططات الاجتماعية والوقائع من حولهم، ويتعرفون على شخصيات القصة. قصة "أميرة القصر الذهبي" للكاتب المصري محمد عطية الإبراشي هي مثال على قصص الأطفال التي تم بحثها بهدف فحص المخططات الأنثوية. لذلك فإن الدراسة الوصفية - التحليلية لهذه القصة تظهر أن المرأة لها حضور ضئيل في النص وإن الكتابة الذكورية تظهر بوضوح في النص وتدور القصة حول شخصيات ذكورية. يتم تصوير الشخصيات النسائية في القصة بمخططات سلبية؛ يمكننا أن نشير إلى نماذج منها نحو: جمال وسحر المرأة، وتجسيد المرأة وتهميشها، وإهمال المرأة والنظرة المتطرفة إليها في الذهب. محمد عطية الإبراشي من خلال التعبير عن الأفكار القديمة والأبوية في شكل مخططات سلبية، يعلم جمهوره عن قصد أو عن غير قصد مخططاته العقلية بشكل غير مباشر، وبما أن هذه المخططات غالباً ما تكون سلبية، فستترك آثارها السلبية على الطفل.
مقالة محكمة	
تاريخ الوصول:	۱۴۰۰/۰۱/۰۲
تاريخ القبول:	۱۴۰۰/۰۷/۲۸
الكلمات المفتاحية:	أدب الأطفال، مخطط، المرأة، أميرة القصر الذهبي ، محمد عطية الإبراشي

الاقباس: شمس آبادي، حسين، ايزانلو، اميد، دهقاني، سحر (۱۴۰۱). مخططات امرأة في قصة الطفل "أميرة القصر الذهبي" لمحمد عطية الإبراشي، مقالة محكمة، السنة الثالثة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الثامن والأربعون، صيف ۱۴۰۱: ۴۰-۲۱.



المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2021.15272.3226

الناشر: جامعة الإمام الخميني الدولية حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.